

عاقبت عشاق سینه چاک

[نمایشنامه]

نیل سایمون

برگردان شهرام زرگر



انتشارات نیلا

نیل ماروین سایمون در چهارم ژوئیه ۱۹۲۷ در منهتن نیویورک به دنیا آمد. خانواده‌ی کم‌بضاعتی داشت و مادرش ناگزیر برای تأمین مخارج زندگی دوشادوش پدر کار می‌کرد. در شانزده‌سالگی دبیرستان را به اتمام رساند و تجربه‌ی کم‌دی‌نویسی را آغاز کرد. به زودی همراه برادرش دنی توانستند کاری در رادیو سی. بی. اس. پیدا کنند. کارشان در آن‌جا نقد و بررسی فیلم‌های سینمایی بود.

نیل سایمون تحصیلاتش را در دانشگاه نیویورک و تحصیلات تکمیلی را در دانشگاه کلرادو به پایان رساند. مدتی نیز در استودیوی «برادران وازنر» کار می‌کرد.

او در سال‌های دهه‌ی پنجاه به همراه کارل راینر، مل بروکس و سلما دایموند از نویسندگان شوهای تلویزیونی فیل سیلور و سید سیزر بود.

در ۱۹۵۳ با جون بیم ازدواج کرد، و در ۱۹۶۱ به اتفاق همسرش که در گروه تفریحات کودکان به کار مشغول بود، نمایشنامه‌ی *پیا و شیپور بزن* را آماده‌ی نمایش کرد. با استقبال عمومی از این اثر درهای شهرت به روی او گشوده شد؛ نمایش ۸۴ هفته در برادوی بر صحنه بود و این باعث شد تا سایمون به صورتی پی‌گیر وقتش را صرف نوشتن نمایشنامه کند.

آثار بعدی او نیز عموماً با موفقیت همراه بودند، به‌ویژه نمایشنامه‌ی *پابرهنه در پارک* که در ۱۹۶۳ نوشته شد و گونه‌ای بازآفرینی نخستین روزهای ازدواج خود سایمون است.

همسر سایمون در ۱۹۷۳ به بیماری سرطان درگذشت و تأثیر این

ضایعه در آثار بعدی او متجلی است. او پس از مدتی با مارشا میسون، یکی از بازیگران نمایشنامه‌ی پزشک نازنین - نوشته‌ی خودش - ازدواج کرد؛ که این ازدواج نیز نهایتاً در ۱۹۸۲ به جدایی انجامید. حاصل ازدواج سایمون با همسر نخستش سه فرزند دختر است که از میان‌شان نانسی در کارهای مختلف با او همکاری می‌کند؛ و حتّاً برخی نمایشنامه‌های پدرش را به عنوان کارگردان بر صحنه آورده است.

پس از آن سایمون در سال ۱۹۸۷ با دیان لندر ازدواج کرد که این ازدواج نیز در سال ۱۹۹۸ به جدایی انجامید. آخرین شریک زندگی او الن جویس است که در سال ۱۹۹۹ با او ازدواج کرده است.

نیل سایمون و وودی آلن هر دو از نسلی‌اند که کار خود را با تلویزیون آغاز کردند. وودی آلن به‌مرور بر کار در سینما - نگارش، بازیگری و کارگردانی - متمرکز شد و نیل سایمون به عالم تأثیر پیوست. او تا امروز - در کنار کارهای هرازگاهش در سینما و تلویزیون - بی‌وقفه برای صحنه‌های تأثیر نوشته است. نیویورک، زادگاه هر دو نویسنده، مکان اصلی بسیاری از نمایشنامه‌ها و فیلمنامه‌های‌شان است؛ آلن، طبقه‌ی روشنفکر (به قول خودش بدجهود کمونیست!) را دستمایه‌ی آثارش قرار داد و سایمون به تصویرگری قشر متوسط شهرنشین، با تمام آن رویای امریکایی قابل خرید از فروشگاه‌های زنجیره‌ای C&A و مک‌دونالدز و... پرداخت.

کمدی سایمون اما آینده‌ی تمام‌نمای جامعه‌ی امریکاست؛ جامعه‌ای که قدمت نوستالژی‌اش دست‌بالا به جنگ‌های شمال و جنوب محدود می‌شود و فراخ‌ترین عرصه‌ی رقابتش، رقابت دیرینه‌ی پپسی‌کولا و کوکاکولا است!

ساختمان ظاهری نوشته‌های سایمون بسیار ساده است. در آثارش به‌عمد از پیچیدگی پرهیز می‌کند تا بتواند از طریق سادگی خودخواسته به منظورش برسد. او در دنیای سرشار از جنسیت، خشونت، اعتیاد و الکل

غرب، منادی دوستی، عشق، تفاهم و اخلاق است؛ و عموماً نمایشنامه‌هایش پایانی خوش و اخلاق‌گرایانه دارند. بذله‌گویی، حاضر جوابی و پرداخت جمله‌بندی‌های مطایبه‌آمیز از ویژگی‌های اساسی آثار سایمون شمرده می‌شود. با این‌همه در دو دهه‌ی اخیر، او آگاهانه و خودخواسته، به کاهش و حذف این وجوه دست زده، طوری که در مقایسه با اولین نمایشنامه‌هایش متوجه جدیت و تلخی - آمیخته با هزل و طنز - در آثار اخیرش می‌شویم. و دیگر آن‌که تعجبی ندارد پس از چهار دهه کار بی‌وقفه، امروز شاهد نوآوری‌های تکنیکی او در حوزه‌های روایت، صحنه‌بندی و رفت و برگشت‌های زمانی، استفاده از عناصر نمایشی رسانه‌های دیگر (چون رادیو) و بافت حدیث‌نفس‌گونه (اتوبیوگرافیک) نمایشنامه‌هایش باشیم. او تا کنون دو بار جایزه‌ی معتبر تونی و یک بار جایزه‌ی ادبی پولیتزر را از آن خود کرده و تنها نمایشنامه‌نویس زنده‌ای است که تالاری در برادوی به نامش نامگذاری شده است.

نیل سایمون را در حال حاضر به‌عنوان یکی از بهترین کمدی‌نویسان امریکایی می‌شناسند. برخی از آثار دیگرش عبارتند از: زوج ناجور، اتاقی در هتل پلازا، زندانی خیابان دوم، دختر یانکی، اتاقی در هتل کالیفرنیا، کله‌پوک‌ها، پیشنهادها، فصل دوم، رویای هالیوود، پزشک نازنین، پسر طلاها، اتاقی در هتل لندن، ضیافت شام و...

مترجم در برگردان فارسی این نمایشنامه، عنوان عاقبت عشاق سینه‌چاک را به آخرین عشاق سینه‌چاک (که می‌توانست معادل دقیق‌تری برای عبارت Last of the red hot lovers باشد) ترجیح داد.